توضیح علامه مجلسی از روایت اهل بطن نخله

وسط صفحه شانزدهم بودیم.

> **لأن الأمر في قوله عليه السلام «صم للرؤية و أفطر للرؤية» أمر بالعمل بالأصل العمليّ، لا بحكم واقعيّ ثبوتيّ، و الحكم الثبوتيّ دائر مدار الهلال، و هذا ممّا يري بوضوح في تعابير الرواياتو لعلّ من أحسن قوله(عليه السلام): «...هذا اليوم لليلة المضية إنّ أهل بطن نخلة حيث رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام»، فإنّا إذا رأينا هلال رجب مثلاً فلا معنى لأن نقول هذا الزمان الجاري و الليلة الحاضرة، من الشهر السابق جمادي الآخرة**[1]

«لأن الأمر في قوله عليه السلام «صم للرؤية و أفطر للرؤية» أمر بالعمل بالأصل العملي، لا بحكم واقعي ثبوتي»؛ که اگر رؤیت نشد، اصلاً وجوب صوم نباشد؛ اینطور نیست که ثبوت دائر مدار رؤیت باشد. آن اصل عمل است.

«و الحكم الثبوتي دائر مدار الهلال»؛ هلال محور کار است. هلال است که وجوب صوم را میآورد. نه اینکه چیزی به او ضمیمه شود. نفس الهلال حکم ثبوتی است.

«و هذا ممّا يري بوضوح في تعابير الرواياتو لعلّ من أحسن قوله(عليه السلام): «...هذا اليوم لليلة المضية إنّ أهل بطن نخلة حيث رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام»؛ خب این روایت چه ربطی به ما نحن فیه دارد؟ توضیحش این است: **«فإنّا إذا رأينا هلال رجب مثلاً فلا معنى لأن نقول هذا الزمان الجاري و الليلة الحاضرة، من الشهر السابق جمادي الآخرة»**. این استظهار مبتنیبر این است که معنای روایت روشن شود. جلسه قبل بحث از سند آن تمام شد. عرض کردم که در کافی شریف این روایت ابان تعلیق بر نُه روایت قبل از آن در روضه کافی شده بود. سند روایت از ابان از عمرو بن یزید بود.

مرحوم مجلسی در جلد پنجاه و نهم بحارالانوار صفحه شانزده میفرمایند:

> **الفائدة الثالثة : لا ريب في أن الليل بحسب الشرع مقدم على اليوم فما ورد في ليلة الجمعة مثلا إنما هي الليلة المتقدمة لا المتأخرة وما يعتبره المنجمون وبعض العرب من تأخير الليلة فهو**

> **محض اصطلاح منهم والا يبتني عليه شيء من أحكام الشريعة ومما يدل عليه ما رواه الكليني في الروضة بسند موثق عن عمر بن يزيد قال : قلت لأبي عبد الله عليه السلام إن المغيرية يزعمون أن هذا اليوم لهذه الليلة المستقبلة فقال كذبوا هذا اليوم لليلة الماضية إن أهل بطن نخلة حيث رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام**
>
> **[2]**

«الفائدة الثالثة : لا ريب في أن الليل بحسب الشرع مقدم على اليوم»؛ از نظر حکم الصال ًمورد خدشه نیست در اینکه در احکام، روز بر شب مقدم است.

«فما ورد في ليلة الجمعة مثلاً»؛ این همه از ادلهای که میگویند در شب جمعه این دعا را بخوان، **«إنما هي الليلة المتقدمة لا المتأخرة»؛** اول شب جمعه است که شما مثال ًدعای کمیل میخوانید. فردا، روز جمعه است. نه اینکه امروز روز جمعه باشد و وقتی شب شد، شب جمعه بشود. آن جمعه شب است.

خب منجمین که حرفهای دیگری دارند؟ میفرمایند: **«و ما يعتبره المنجمون وبعض العرب من تأخير الليلة»؛** اینکه روز هر روزی پس از آن است، **«فهو محض اصطلاح منهم»؛** اصطلاحی از آنها است. ربطی به شرع و بلکه عرف عموم عرب ندارد. **«والا يبتني عليه شيء من أحكام الشريعة»؛** هیچکدام از احکام شرعیه مبتنیبر لیل لاحق نیست و روز سابق نیست.

«و مما يدل عليه ما رواه الكليني في الروضة بسند موثق»؛ عرض شد که در مرآة هم همینطور تعبیر کردهاند. **«عن عمر بن يزيد قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام إن المغيرية يزعمون أن هذا اليوم لهذه الليلة المستقبلة فقال كذبوا هذا اليوم لليلة الماضية»؛** برای شب قبل است. **«إن أهل بطن نخلة حيث رأوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام»؛** این روایتی است که بحث ما مربوط به آن است.

> **وتوضيحه : أن المغيرية هم أتباع المغيرة بن سعد البجلي وهو من المذمومين المطعونين وقد روى الكشي أخبارا كثيرة في أنه كان من الكذابين على أبي جعفر عليه السلام وروي أنه كان يدعو الناس إلى محمد بن عبد الله بن الحسن وكان من الزيدية التبرية وفي بعض النسخ المغيرة أي الذين غيروا دين الله من المخالفين وقصة بطن نخلة هي ما ذكره المفسرون والمؤرخون أن النبي صلى الله عليه وآله بعث عبد الله بن جحش ومعه ثمانية رهط من المهاجرين وقيل اثنا عشر وأمره أن ينزل نخلة بين مكة والطائف فيرصد قريشا ويعلم أخبارهم فانطلقوا حتى هبطوا نخلة فوجدوا بها عمرو بن الحضرمي في عير تجارة قريش في آخر يوم من جمادى الآخرة وكانوا يرون أنه من جمادى وهو رجب فاختصم المسلمون فقال قائل منهم هذه غرة من عدو وغنم رزقتموه فلا ندري أمن الشهر الحرام هذا اليوم أم لا فقال قائل منهم لا نعلم هذا اليوم إلا من الشهر الحرام ولا نرى أن تستحلوه لطمع أشفيتم عليه فشدوا على ابن الحضرمي فقتلوه وغنموا عيره فبلغ ذلك كفار قريش فركب وفدهم حتى قدموا على النبي صلى الله عليه وآله فقالوا أيحل القتال في الشهر الحرام**

> **فأنزل الله تعالى « يَسْئَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرامِ قِتالٍ فِيهِ » الآية ويظهر من هذا الخبر كما ورد في بعض السير أيضا أنهم إنما فعلوا ذلك بعد رؤية هلال رجب وعلمهم بكونه منه واستشهاده بأن الصحابة حكموا بعد رؤية الهلال بدخول رجب فالليل سابق على النهار ومحسوب مع اليوم الذي بعده يوما وما سبق من تقدم خلق النهار على الليل لا ينافي ذلك كما لا يخفى[3]**

«و توضيحه: أن المغيرية هم أتباع المغيرة بن سعد البجلي ... وروي أنه كان يدعو الناس إلى محمد بن عبد الله بن الحسن»؛ همان شخص معروف که خروج کرد. ظاهراً این روایت هم از همان محیط آنها درآمد؛ «اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی». او محمد بن عبدالله بن حسن بود. و الا آن چه که در نسخه‌های اصلی هست به این صورت است: اسمه اسمی و کنیته کنیتی. این هم به‌آن اضافه شده که مرحوم مجلسی در بحارالانوار راجع به آن بحثی دارند.

6:29

شاگرد: پدرش هم مذموم است؟

استاد: علی ای حال اینها از ساادات جلیل بنی الحسن هستند. حاج آقا مکرر می‌فرمودند وقتی اینها را گرفته بودند و می‌بردند، چه اشکی از چشمان مبارک امام صادق علیه‌السلام سرازیر بود. آنها را بردند و دیگر خبری از آنها نشد که نشد. یعنی تا الآن که این همه تاریخ و نقل هست، معلوم نشد که منصور ملعون با آنها چه کار کرد. کجا رفتند و ... . هیچ چیزی معلوم نشد. حاج آقا مکرر این را می‌فرمودند. قبل از آن هم درگیری‌های حسابی بود که در کافی هست. سن او بیشتر از امام بود ولی اینطور شد. «رجلٌ صحفی» هم برای او بود. حضرت فرمودند جدت که این قدر بنده آزاد کردند، اسم یکی از آنها را بگو. او هم هیچکدام از آنها را بلد نبود. چون قبل از آن حضرت فرمودند اقدامات به این صورت علم می‌خواهد. وقتی حضرت علیه‌السلام این را گفتند، او گفت «انت رجل صحفی». یعنی دلت خوش است که در خانه چند دفتر داری و به شما ارث رسیده و همینطور می‌گویی دما چیزهایی داریم که شماها ندارید. بعد حضرت فرمودند: «نعم صحف ابراهیم و موسی». علی ای حال قضایای عبدالله بن حسن مفصل است. هم در کافی و هم در کتابهای دیگر مانند مقاتل الطالبین مفصل آمده است. علی ای حال عبدالله بن حسن بزرگ در زمان خودش بزرگ بنی هاشم شد. شیخوخیت داشت.

«كان من الزيدية التبرية»؛ البته عبارت صحیح بُتریه است. طایفه‌ای از زیدیه بودند که اصرار داشتند بین تولی و عدم تبری جمع کنند. الحمد لله شما اینها را می‌دانید. اگر هم فراموش شده مراجعه کنید؛ این زمینه مراجعه شما باشد.

«و في بعض النسخ المغيّرة»؛ در سؤال آمده بود: (ان المغیریه) که می‌گویند در بعضی از نسخه‌ها «ان المغیّره» است.

«أي الذين غيروا دين الله من المخالفين وقصة بطن نخلة هي ما ذكره المفسرون والمؤرخون»؛ قضیه چه بود که امام علیه‌السلام فرمودند «ان اهل بطن نخله حیث راوا الهلال...»؟ جلسه قبل عرض کردم دلیل مهم بودن این روایت این است که استشهاد امام علیه‌السلام به یک مستند شرعی نیست. به حرف مشرکینی است که اهل بطن نخله بودند و حرفی زدند. بعداً هم سؤال و جواب و رفت وبرگشتی صورت گرفته است، آیه شریفه‌ای هم که نازل شد در این نبود. «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرامِ قِتالٍ فِيهِ قُلْ قِتالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَ صَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ كُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ[4]». در آن نشد؛ همه هم فهمیدند.

شاگرد: مشرکین ای مسلمانانی که رفته بودند منظور است؟

استاد: مشرکین. چون فرمودند «اهل بطن نخله». آنها که اهل بطن نخله نبودند. دارد خود عبدالله جحش استرجاع کرد.

شاگرد: در برخی از نقلها هست وقتی حضرت این هشت نفر را فرستادند، بین خودشان اختلاف شد و گفتند ما ماه را دیدیم ای ماه داخل شده. در برخی از نقلها به این صورت است.

استاد: مانعی ندارد. تعبیر اهل آوردن برای آنها یک چیز است، و اینکه بین خود آنها اختلاف شد چیز دیگری است. آنها بودند که با رؤیت خودشان اعتراض کردند. این از عجایب روایات شأن نزول ذیل آیه است؛ یعنی یک جور اختلافاتی هست که نمیتوان بین آنها جمع کرد. در اینجا سه قول هست. نسبت به یک قول که این روایت، صریح در ردش است. دو قول دیگر را هم باید ببینیم که چطور معنا کنیم. ابهاماتی برای بعضی از آنها هست.

---

[1] رؤیة الهلال بالعین المسلّحة

[2] بحار الأنوار - ط مؤسسةالوفاء، ج۵۹،ص۱۶

[3] همان

[4] البقره ۲۱۷

بازبینی #1
ایجاد شده 14 مه 2026 10:32:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2026 10:40:34 توسط ... .